

خوانشی نوین از فلسفه تاریخ انبیا: بررسی رمان کتاب *دانیال* بر اساس

آرای میرچا الیاده

زهره رامین*

استادیار زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی، دانشگاه تهران، تهران،

ایران

حسین ترکمن‌نژاد**

دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی، دانشگاه تهران،

تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۹۸/۰۷/۰۴، تاریخ تصویب: ۹۸/۱۰/۲۸، تاریخ چاپ: تابستان ۱۳۹۹)

چکیده

ای. ال. داکتارو خالق رمان‌هایی است که با نوسان میان تاریخ و داستان، پرسش‌های بنیادینی در باب تاریخ و معنای آن مطرح می‌کنند. چون او در سنت تاریخ‌محور یهودی بالیده، تفسیر دیدگاه تاریخی‌اش اهمیت فراوانی در درک آثارش دارد و در میان رمان‌هایش، کتاب *دانیال* که صریحاً به مسئله تاریخ می‌پردازد، بیش از همه می‌تواند در شناخت فلسفه تاریخ او یاری‌مان کند. در این مقاله با تکیه بر آرای میرچا الیاده و تفحص در میراث فکری پیامبران بنی‌اسرائیل می‌کوشیم تا بینش تاریخی دانیال، قهرمان داستان، را تحلیل کنیم. با اقتباس از نظریه الیاده نشان می‌دهیم که خوانش نوین دانیال از سنت فکری انبیا، از رابطه دیالکتیک میان اندیشه تاریخمند نبوی و گسستگی تاریخی دیزنی‌لند، که موضوع بخش پایانی رمان است، زاده می‌شود و راه حل دانیال برای نجات از بی‌معنایی، گفتمان تاریخی است که نه بر چرخه تکرار الگوها و نه بر توالی رویدادهای بی‌معنای تاریخ ناقدسی، بلکه بر گسیختگی و عدم انسجام پاستیش استوار شده است.

واژه‌های کلیدی: فلسفه تاریخ، نمونه‌های ازلی، تاریخ الهی، تاریخ ناقدسی، پاستیش.

* نویسنده مسئول: zramin@ut.ac.ir

** hosein.torkaman@ut.ac.ir

۱- مقدمه

ای. ال. داکتارو^۱، نویسنده یهودی-آمریکایی معاصر، یکی از برجسته‌ترین چهره‌های ادبیات آمریکا در نیمه دوم سده بیستم است (شاتزکی و تائوب، ۱۹۹۷، ۵۴-۵۵). او دوازده رمان نوشته است که هم از لحاظ فرم و هم محتوا متنوع‌اند و در وهله اول به نظر می‌رسد که چندان اشتراکی با هم ندارند (هارتر و تامپسون، ۱۹۹۰، ۱). اما در پس این ناهمگونی ظاهری، دغدغه بنیادینی به چشم می‌خورد که بر عمده آفریده‌های هنری او سایه افکنده و نشان می‌دهد که او تنها داستان‌پرداز نیست، بلکه هنرمندی اندیشمند است. پشت سبک‌های نگارش و مضامین گوناگونی که در رمان‌های او دیده می‌شود، نوعی دلمشغولی و سواس‌گونه نسبت به مسئله تاریخ و روایت تاریخی نهفته است که آثارش را از معاصرانش متمایز می‌کند و رنگ خاصی به آنها می‌بخشد. در آفرینش آثار خود، داکتارو همواره از تاریخنگاری و امکان بازنمایی واقعیت بهره می‌گیرد (رامین و مزدی، ۱۹۹۰، ۴۴) اما برجسته‌ترین و مشهودترین نمود این دغدغه همیشگی در یکی از رمان‌هایش به نام کتاب *دانیال* (۱۹۷۱) متجلی شده. این کتاب داستان مردی یهودی-آمریکایی به نام دانیال آیزاکسون^۲ است که پدر و مادرش، پس از محاکمه‌ای مشکوک، به جرم جاسوسی برای شوروی اعدام شده‌اند و او در سال ۱۹۶۷، یعنی دوازده سال پس از این واقعه، رساله دکتری‌اش در رشته تاریخ را به پرونده آنها اختصاص داده تا صحت و سقم اتهامشان را کشف کند. این پرونده، در واقع، روایتی نیمه‌تاریخی و داستانی شده از زوجی به نام روزنبرگ‌ها^۳ است که به همین اتهام در سال ۱۹۵۳ محاکمه و اعدام شدند (داینر، ۱۹۹۹، ۱۱۳؛ بارنت، ۲۰۱۶، ۱۳۱).

دانیال آیزاکسون را میتوان یک "قهرمان مدرن انزواطلب" دانست که در جستجوی هویت خود در دنیای مدرن است (علوی و حسینی، ۱۳۹۸) به عنوان نویسنده رساله دکتری که در پی کشف حقیقت رویدادی تاریخی است، به آفریننده خود، داکتارو، شباهت‌های مهمی

1. E. L. Doctorow
2. Daniel Isaacson
3. The Rosenbergs

دارد، زیرا داکتارو هم در عمده آثارش یک رخداد تاریخ‌ساز یا برهه‌ای بحرانی در تاریخ آمریکا را مرکز ثقل رمان قرار می‌دهد و با شگردهای گوناگون، از جمله شکستن مرز میان ادبیات داستانی و روایت تاریخی، به بررسی آن می‌پردازد و اغلب با رویکردی بازنگرشی^۱، روایتی متفاوت از آن رخداد یا برهه ارائه می‌کند و پرسش‌هایی را مطرح می‌کند که به قلمرو فلسفه تاریخ تعلق دارند: آیا پشت رخدادهای تاریخی معنایی نهفته است؟ آیا می‌توان از حقیقت تاریخی سخن گفت؟ چگونه می‌توان روایتی «درست» از تاریخ ارائه کرد؟ و سؤال‌های بنیادین دیگر. از این رو، رمان کتاب *دانیال* موقعیت منحصر به فردی در میان آثار داکتارو دارد و، به گمان ما، دریچه‌ای به بینش تاریخی نویسنده پیش‌چشم‌انمان می‌گشاید و کلیدهایی به دستمان می‌دهد که بهتر بتوانیم این نویسنده و آثارش را بشناسیم. در این مقاله، برای تحلیل فلسفه تاریخ دانیال از آرای متفکر رومانیایی، میرچا الیاده^۲، استفاده شده و ارتباط این فلسفه تاریخ با میراث فکری پیامبران بنی‌اسرائیل بررسی شده است.

۲- پیشینه پژوهش

آثار پژوهشی که به فلسفه تاریخ نهفته در رمان‌های داکتارو پرداخته‌اند، بسیار نادرند و آن موارد نادر نیز از چهارچوب نظری خاصی برای تفسیر خود استفاده نکرده‌اند. رویکرد پارکس (۱۹۹۱) در تحلیلش از کتاب *دانیال* در فصل سوم *ای. ال. داکتارو* به مقاله حاضر نزدیک است، زیرا او نیز نگاهی تاریخ‌محور دارد؛ به این معنا که می‌کوشد بینش تاریخی داکتارو را از خلال رمانش کشف کند، اما نداشتن مبنای نظری و عدم توجه کافی به میراث تفکر یهودی، از قوت تحلیل او کاسته است. مقاله «اومانیزم یهودی رادیکال: بینش *ای. ال. داکتارو*» در کتاب *مقالات انتقادی درباره‌ی ای. ال. داکتارو* (سیگل، ۲۰۰۰) از این لحاظ که آثار داکتارو را در سنت فکری یهودی قرار می‌دهد، منحصر به فرد است. کلیتون در این مقاله حساسیت و تعهد سیاسی داکتارو و همچنین سویه پیامبرانه در داستان‌هایش را به مفهوم یهودی نبوت ربط می‌دهد، اما در

نهایت، تصویری روشن از فلسفه تاریخ او و ارتباط آن با بینش تاریخی انبیا ارائه نمی‌کند. از این رو، می‌توان گفت که مقاله حاضر از دو جنبه نوآورانه است: اولاً، با تکیه بر آرای الیاده، رمان کتاب *دانیال* را تفسیر می‌کند و خوانشی متفاوت از فلسفه تاریخ نهفته در آن پیشنهاد می‌دهد. ثانیاً، با توجه به پیشینه یهودی داکتارو، این فلسفه تاریخ را در بستر میراث فکری پیامبران بنی‌اسرائیل تحلیل می‌کند و این چنین، اثر داکتارو را در بافت فرهنگی-تاریخی خود قرار می‌دهد.

۳- چهارچوب نظری

آرا و نظریات میرچا الیاده، اسطوره‌شناس و دین‌پژوه پرآوازه رومانیایی قرن بیستم، در حوزه مطالعات ادیان معتبر و شناخته شده است (الیاده، ۲۰۰۴، ۱۳)، اما از دستاوردهای نظری او کمتر در مطالعات ادبی استفاده شده؛ با این حال، تحلیل جامع او از تجلیات امر قدسی و درک از مفهوم تاریخ در جوامع گوناگون بشری در رساله *در تاریخ ادیان* (۱۳۸۹) و *چشم‌اندازهای اسطوره* (۱۳۸۶) و تبیین گذار از بینش اسطوره‌ای به تاریخی در *کیهان و تاریخ* (۱۹۵۹) که با عنوان فرعی *اسطوره بازگشت جاودانه* (۱۳۸۴) به فارسی ترجمه شده، بنیانی نظری به دست می‌دهد که برای تفسیر رمان‌های تاریخ‌محور داکتارو بسیار سودمند است.

۳-۱- مرحله نخست: تاریخ‌سنجی و تکرار نمونه‌های ازلی^۱

۶. «نمونه‌های ازلی» ترجمه دکتر سرکاراتی از *archetype* در کتاب *اسطوره بازگشت جاودانه* است. باید توجه داشت که معنای این اصطلاح در آثار الیاده کاملاً با معنای مورد نظر یونگ متفاوت است و به همین دلیل، معادل‌های رایج‌تر «کهن‌الگو» و «سرنمون» برای ترجمه لغت آرکی‌تایپ در آثار الیاده مناسب نیستند.

به گفته الیاده، تمام نهادها، آیین‌ها و حتی فعالیت‌های روزمره برای انسان ابتدایی بر اساس نمونه‌های ازلی بنا نهاده شده‌اند و در واقع، تکرار آن نمونه‌ها و الگوهای اسطوره‌ای هستند. وقتی انسان ابتدایی به شکار می‌رود، ازدواج می‌کند، یا می‌رقصد، تمام کارهایش را تقلید الگوهای مثالی می‌داند و مادامی زندگی خود را معنادار احساس می‌کند که اعمالش بر این الگوها منطبق شود؛ برای نمونه، وصلت مرد و زن، تقلید پیوند ازلی آسمان و زمین است و ازدواجشان، آن پیوند ازلی را تقلید و بازآفرینی می‌کند. حتی شهرها و زیستگاه‌های انسان ابتدایی هم از این الگو تبعیت می‌کنند، به این معنا که آنها هم نمونه‌ای آسمانی دارند و بر اساس اسلوب همتای ازلی‌شان بنا شده‌اند (الیاده، ۱۳۸۴: ۳۱-۳۲).

الیاده استدلال می‌کند که این نگرش انسان ابتدایی پیامدهای ژرفی برای بینش تاریخی (یا بهتر است بگوییم تاریخ‌ستیز) او دارد. به این ترتیب که انسان جوامع بدوی، زمان گذرا و ناقده‌سی^۱ را — که از توالی لحظاته‌ش، تاریخ پدید می‌آید — تهی از معنا می‌داند و دائما از طریق آداب عبادی و آیین‌هایش، کردارهای مثالی و ازلی را تکرار می‌کند تا زمان سپنجی و ناسوتی را ملغی کند و به زمان اساطیری و لاهوتی، که نمونه‌های ازلی در آن رخ داده‌اند، بازگردد. انسان بدوی در تمام وقایع مهم زندگی‌اش، مثل شکار، جنگ، زاد ولد و اجرای آیین‌ها، زمان گذرای تاریخی را واژگون می‌کند و با تقلید از الگوهای که در زمان اساطیری پدید آمده‌اند، به آن دوران ازلی و بی‌زمان بازمی‌گردد و از روزمرگی و «شدن» زمان سپنجی تاریخی درمی‌گذرد و رهایی می‌یابد. این چنین، در نظر انسان ابتدایی که هنوز در جهان اساطیر و تکرار نمونه‌های ازلی می‌زید، تاریخ خطی که تمام وقایعش تنها یک بار رخ می‌دهد و دائما دچار تغییر و تبدل و صیروت است، نه تنها بی‌معناست، بلکه تحمل‌ناپذیر نیز هست. او تنها زمانی می‌تواند به زندگی معنا بخشد که این زمان گذرای تاریخی را لغو کند و به زمان بی‌زمان اساطیر بازگردد. در واقع، این نگرش تاریخ‌ستیز و اسطوره‌محور، ملجأ انسان ابتدایی در مواجهه با فجایع طبیعی و انسانی است؛ به این ترتیب که مثلا فلان جنگ خانمان‌سوز یا فلان فاجعه طبیعی، تکراری از نبرد یا فاجعه‌ای کیهانی در سرآغاز آفرینش و در زمان ازلی اسطوره قلمداد می‌شود و این چنین، گریزناپذیر و بخشی از ساختار عالم هستی تلقی می‌گردد. این گونه، انسان

ابتدایی می‌تواند از بی‌معنایی تاریخ ناقده‌ای که هیچ پشتوانه الهی و ازلی ندارد، فرار کند و با گریز به عالم اسطوره و احیای نمونه‌های ازلی در سرآغاز آفرینش، تا حدی بر وحشت خود از تاریخ چیره شود و در واقع آن را انکار کند (الیاده، ۱۳۸۴: ۱۰۵-۱۰۸).

۲-۳- مرحله دوم: تاریخ به عنوان جلوه‌گاه اراده الهی

این الغای تاریخ و گریز از آن، خلاصه فلسفه تاریخ انسان ابتدایی است و الیاده با ارائه شواهد پرشماری از نقاط گوناگون جهان، به خوبی از آن دفاع می‌کند (الیاده، ۱۳۸۴: ۱۷-۶۲؛ الیاده، ۱۳۸۶، ۴۷-۵۳). اما جوامع در مرحله بعدی از جهان‌بینی خود، به اشکال مختلف از این بینش ابتدایی فراتر می‌روند. یکی از مهم‌ترین تحول‌ها در این اندیشه تاریخ‌ستیز و اسطوره‌محور، گذار به تاریخ الهی (الیاده، ۱۳۸۹: ۴۳۱) و ظهور بینش تاریخی در میان عبرانیان یا همان بنی‌اسرائیل است. اما چطور بنی‌اسرائیل از پس تبعات پذیرش تاریخ برآمدند؟ به عبارت دیگر، زمان گذرا و سپنجی تاریخ خطی که از ارائه هرگونه معنایی در پس وقایع تکرارنشده و ظاهراً اتفاقی خود عاجز است و چنان وحشتی در انسان ابتدایی پدید می‌آورد که او را به لغو و انکار تاریخ سوق می‌دهد، چگونه مورد پذیرش عبرانیان قرار گرفت؟ پاسخ به این پرسش را باید در کشف و شهود پیامبران بنی‌اسرائیل جست. این اقلیت نخبه دینی در جامعه بنی‌اسرائیل، از نگرش دینی غالب در جامعه خود جدا شدند و تاریخ خطی و تکرارناپذیر و مستقل از نمونه‌های ازلی و اسطوره‌ای را کشف کردند، اما توانستند آن را از بی‌معنایی نجات دهند، به این ترتیب که وقایع تاریخی را تجلی الهی و ظهور قدرت یهوه در عالم دانستند و این‌چنین، به زمان گذرا و سپنجی تاریخ معنا بخشیدند. در واقع، آنچه بیش از همه، انقلاب دینی انبیا را از ادیان دیگر هم‌عصرش متمایز می‌کرد، همین نگرش تاریخ‌محور بود، چنان که می‌توان یهوه را خدای تاریخ دانست (الیاده، ۱۳۸۴: ۱۱۲-۱۱۶).

حتی جشن‌های فصلی عبرانیان که با کاشت و برداشت سالانه محصول مرتبط بود و مشابه دیگر اقوام همسایه، پیوند تنگاتنگی با طبیعت داشت، پس از این انقلاب دینی، تبدیل به جشن‌هایی تاریخی شد که واقعه‌ای در تاریخ قوم را گرامی می‌داشت. یک نمونه گویای این

مورد، جشن فصح^۱ در آغاز بهار است، که در ابتدا مشابه جشن‌های فصلی و کشاورزی اقوام مجاور بود، اما سپس تبدیل شد به گرامیداشت خروج^۲ پیروزمندان بنی‌اسرائیل از مصر و رهایی‌شان از بردگی، که نقطه عطف تاریخ قوم بود و به بهترین شکل، قدرت و استیلای یهوه بر تاریخ را به نمایش می‌گذاشت (برلین و برتلر، ۱۹۹۹، ۱۲۵-۱۳۱). جالب است که در مورد برخی جشن‌ها و آداب عبادی، هنوز رد پای از نگرش اسطوره‌محور و تاریخ‌ستیز (مرحله اول) در تورات به جا مانده و در کنار این نگرش، دیدگاه تاریخی متأخرتر (مرحله دوم) هم به چشم می‌خورد، اما احتمالاً تفسیر اسطوره‌ای مبتنی بر تکرار نمونه‌های ازلی چنان مشهور بوده که انقلاب دینی تاریخ‌محور نتوانسته به کلی آن را کنار بزند (گلدنبرگ، ۲۰۰۷، ۲۳۵). برای نمونه، دو تبیین متفاوت از علت وجودی روز سبت^۳ (شنبه) در تورات ذکر شده؛ اولی بر بینش انسان ابتدایی انطباق دارد و تقلید کرداری ازلی در زمان بی‌زمان است:

روز سبت را بهر تقدیس آن یاد کن. شش روز کار کن و همه کار خویش انجام ده؛
لیک روز هفتم، سبت از برای یهوه خدایت است. هیچ کاری مکن، نه تو و نه پسر و
دخترت و خادم و کنیزت و حیوانات و غریبی که درون دروازه‌هایت است. چرا که یهوه
آسمان و زمین و دریا و هر آنچه را در آنهاست در شش روز بساخت، لیکن روز هفتم
ببایستد، هم از این روی یهوه روز سبت را مبارک خواند و آن را تقدیس کرد (عهد
عتیقی، ۱۳۹۳: ۳۵۸).

این نگاه دقیقاً منطبق با نگرش اساطیری و تاریخ‌ستیز انسان بدوی است، زیرا بنی‌اسرائیل در روز سبت باید کردار ازلی و نمونه‌وار خداوند را در سرآغاز آفرینش و زمان بی‌زمان، تکرار و بازآفرینی کنند. اما بسیار شایان اهمیت است که پس از انقلاب انبیا، تبیین کاملاً متفاوتی از سبت می‌شود که ریشه در گذار به بینش تاریخی دارد. این تبیین تاریخ‌محور را در سفر تثنیه، که از متأخرترین بخش‌های اسفار خمسه (تورات) است (فریدمن، ۱۹۹۷، ۲۱۱-۲۱۲)، می‌خوانیم:

8. Pesach, Passover

9. Exodus

10. Sabbath

آنچنان که یهوه خدایت تو را فرمان داده است، روز سبت را بهر تقدیس آن پاس دار. شش روز کار کن و همه کار خویش انجام ده، لیک روز هفتم، سبت از برای یهوه خدایت است. طی آن هیچ کار مکن، نه تو و نه پسر و دخترت و خادم و کنیزت و گاوت و الاغت و هیچ کدام از حیوانات و غریبی که درون دروازه‌هایت است. بدین سان خادم و کنیزت، همانند تو، توانند آرمد. به یاد آر که در سرزمین مصر در بندگی بودی و یهوه خدایت به دست قدرتمند و بازوی افراشته تو را از آنجا برون آورد؛ از این روی یهوه خدایت تو را فرمان داده است که روز سبت را نگاه داری (همان، ۶۲۲-۶۲۳).

چنان که پیداست، در این تبیین متأخر دیگر سخنی از تقلید کردار ازلی خداوند نیست، بلکه روز سبت به رخدادی تاریخی پیوند خورده: همان‌گونه که بنی اسرائیل در مصر برده بودند و پس از خروج، از اسارت آزاد شدند، باید به یاد این بردگی و بزرگداشت رهایی‌شان، در روز سبت بیاسایند و به غلامانشان هم اجازه دهند که استراحت کنند. بدین ترتیب، پیامبران بنی اسرائیل با انقلابی که در اندیشه دینی قوم خود پدید آوردند، به نگرش تاریخی دست یافتند و این نگرش از طریق مسیحیت به جهان غرب رفت و در فرهنگ و تمدن غربی پذیرفته شد.

۳-۳- مرحله سوم: تاریخ ناقدهی

در تفکر انبیا، جهان‌بینی اساطیری و تکرار الگوهای ازلی برجیده شد و تاریخ به جای آن نشست، اما این تاریخ به برکت تفسیرش در پرتو تجلی قدرت یهوه از بی‌معنایی نجات یافت و به ورطه معنابخشی نغلتید. اما در تحول بعدی که در اندیشه مغرب‌زمین رخ داد، از این بینش تاریخی پیامبران بنی اسرائیل تقدس‌زدایی شد و تاریخ ناسوتی و ناقدهی جای تاریخ الهی را گرفت؛ یعنی نگرش تاریخی و غیراسطوره‌ای انبیا یک گام جلوتر رفت و اراده خداوند از رخدادهای تاریخی گرفته شد و تاریخ زنجیره‌ای از وقایع دانسته شد که نه تنها الگویی ازلی ندارند (چنان که انسان ابتدایی گمان می‌کرد)، بلکه هیچ مشیت قدسی و ملکوتی هم آن را هدایت نمی‌کند. این چنین، تاریخ به درستی به ورطه بی‌معنایی فروافتاد و انسان مدرن کاملاً در مقابل سیل فجایع طبیعی و تاریخی بی‌دفاع و بی‌پناه شد، چون هم از الگوهای ازلی انسان

بدوی (مرحله اول) بریده بود و هم تاریخ به مثابه تجلی مشیت الهی (مرحله دوم) را مردود شمرده بود (الیاده، ۱۳۸۴: ۱۵۳-۱۵۹). به بیان دیگر، در یک الگوی ساده‌شده، بشر غربی سه مرحله از بینش تاریخی را تجربه کرده: اول دوران نمونه‌های ازلی و تاریخ‌ستیزی، دوم پذیرش تاریخ به عنوان تجلی اراده خداوند، و سوم تاریخ زدوده‌شده از هرگونه معنای فراتاریخی و قدسی.

۴- بحث و بررسی

در ادامه، خواهیم دید که دانیال، این بینش سوم را به چالش می‌کشد و فلسفه تاریخی ارائه می‌کند که دنباله‌رو راه پیامبران بنی‌اسرائیل، و خوانشی امروزی از فلسفه آنهاست و کوششی است در جهت یافتن درمانی برای وحشت حاصل از استیلاي تاریخ ناقدهی در عصر حاضر.

۴-۱- حرکت از جزء به کل: از تاریخ خانوادگی تا فلسفه تاریخ

چنان که گفته شد، دانیال دانشجوی دکتری تاریخ در دانشگاه کلمبیا در اواخر دهه ۶۰ قرن بیستم است و می‌کوشد در رساله‌اش، حقیقت تاریخ خانواده خود و اعدام پدر و مادرش را، که دوازده سال پیش رخ داده، کشف کند. البته این جست‌وجوی حقیقت محدود به تاریخ خانوادگی نمی‌ماند، زیرا او از این طریق می‌خواهد به درک جامعی از ساز و کارهای کلان تاریخی برسد. بنابراین، دانیال به‌نوعی نماینده حزب چپ جدید دهه ۶۰ می‌شود و پدر و مادرش نماینده حزب چپ قدیم دهه ۳۰ (توکارچیک، ۲۰۰۰، ۱۲) و به این ترتیب، رساله ابعاد گسترده‌تری پیدا می‌کند. این چشم‌انداز وسیع و بلندپروازانه دانیال را در بسیاری از اظهارات او در رساله دکتری‌اش می‌توانیم ببینیم. برای نمونه، او با تحلیل هیجانانی که منجر به دستگیری و متعاقباً اعدام پدر و مادرش شد، نتایجش را تعمیم می‌دهد و درباره وضعیت جامعه آمریکا پس از جنگ‌ها اظهار نظر می‌کند:

در شوراهاى دولت، ائتلاف‌هاى سیاسى دوران جنگ جای خود را به تعصبات افراطى جناحى مى‌دهند. در عرصه بزرگ‌تر جامعه [...] خشونت افزایش مى‌یابد، ترس و تهمت بر بحث‌هاى عمومى غلبه مى‌کند، و هیجان بر عقل چیره مى‌شود. بسیاری از مورخان به این پدیده اشاره کرده‌اند. دلیل آن هم ادامه هیجانانگى پس از اتمام جنگ است. بدبختانه، نمى‌توان تب عاطفى مورد نیاز برای جنگیدن را مثل شیر آب بست. این تب ایجاب مى‌کند که دشمنان همچنان یافت شوند. نمى‌توان به همان سرعتی که سربازان ارتش را مرخص مى‌کنند، ذهن و قلب را از حالت بسیج جنگی خارج کرد. درست برعکس، مثل کوره آتشینى که سراپا حرارت است، زمان قابل توجهی باید بگذرد تا سرد شود^۱ (داکتارو، ۱۹۷۱، ۲۷).

در اظهار نظرهایی از این دست است که آشکار مى‌شود دانیال به تحلیل رخدادى خاص از تاریخ آمریکا بسنده نمى‌کند، بلکه آن رخداد را سکوی پرشی قرار مى‌دهد تا نگاهی کل‌نگر به مجموعه تاریخ آمریکا بیفکند و از طریق آن، فلسفه تاریخ خود را نیز بیان کند. در جایی دیگر، او صریحا مى‌گوید: «تاریخ، آن خوک کثیف، است که به اسرار قلب آدمی نفوذ مى‌کند» (داکتارو، ۱۹۷۱، ۹۸). در این جمله، واژه **History** با حرف بزرگ **H** نوشته شده که باز حاکی از آن است که او در جست‌وجوی نگاهی کل‌نگر است. بنابراین، در جای‌جای کتاب مى‌بینیم که دانیال در حقیقت با خود تاریخ کلنجر مى‌رود و سعی در تبیین آن دارد و ماجرای اعدام پدر و مادرش تنها بهانه‌ای برای تحقق این هدف است.

۲-۴- دانیال نوین و بازتفسیر میراث فکری انبیا

در نقل قول راجع به شرایط پس از جنگ در آمریکا که پیشتر ذکر شد، همان‌طور که پارکس گوشزد مى‌کند، نوعی نگرش تقدیرگرایانه نهفته است، چون الگویی را در تاریخ آمریکا نشان مى‌دهد که در ادوار گوناگون تکرار مى‌شود (پارکس، ۱۹۹۱، ۳۹). اما این الگوها مطلوب دانیال

۱۱. تمام نقل قول‌ها از کتاب *دانیال* اثر داکتارو، ترجمه نویسندگان مقاله حاضر است.

نیستند، زیرا تهی از معنا و هدف به نظر می‌رسند. با این حال، اگر او چرخه و دور را نمی‌پذیرد، به همان اندازه از توالی نیز بیزار است:

هولناک‌ترین پدیده، توالی است. وقتی می‌رسیم، چرا برمی‌گردیم تا دوباره به همان‌جا بازگردیم؟ آیا هیچ چیز به اندازه کافی خوب نیست که در یک وضعیت ثابت مان کند؟ [...] اگر گل زیباست، چرا پسر بچه‌ام تا ابد به آن خیره نمی‌ماند؟ پال گل را می‌چیند و می‌دود، در حالی که گل از بند کفشش آویزان است. او دستش را به سمت گل می‌برد، نگهش می‌دارد، و پس از آنکه آن را رو به آسمان گرفت و واری کرد، رهایش می‌کند [...] خواننده پلیدی که از کلمه‌ای به کلمه دیگر می‌رود. نویسنده پلیدی که کلمه‌ای را پس از دیگری می‌گذارد. جادوگر پلید (داکتارو، ۱۹۷۱، ۲۳۲).

پس دانیال هم از چرخه‌ها و تکرار نفرت دارد و هم از توالی لحظات تاریخ ناقده، چون هر دو را بی‌معنا می‌یابد. چنان که ریچارد کینگ می‌گوید، «وظیفه دانیال این است که خود را از شبکه انبوه تکرارها و همانندی‌ها خلاص کند، و در عین حال در دام توالی بی‌معنای لحظات نیز نیفتد» (فریدل و شولتس، ۱۹۸۸، ۵۰). اگر بخواهیم این سخن کینگ را در قالب نظریه الیاده بیان کنیم، می‌توانیم بگوییم که پروژه فلسفی دانیال درست مشابه انقلاب فکری انبیاست. آنها هم نگرش دوری و تکرارشونده نمونه‌های ازلی را رد کردند و تاریخ خطی را پذیرفتند، اما اجازه ندادند تاریخ به ورطه بی‌معنایی درافتد، چون آن را تجلی مشیت یهوه دانستند. دانیال هم دقیقاً می‌کوشد که چنین کند؛ او از الگوهای تکرارشونده می‌گریزد و در عین حال از تاریخ تقدس‌زدایی‌شده بی‌معنا که توالی لحظات ناقده است، می‌هراسد. اما راه‌حلی که او برای گریز از این مخمصه پیدا می‌کند، با راه‌حل انبیا تفاوت جدی دارد. انبیا برای رد زمان اساطیری و ادواری و پذیرش تاریخ خطی و در عین حال معنا بخشیدن به آن، تاریخ را مشیت یهوه دانستند، اما دانیال که در دوران غلبه جهان‌بینی سکولار می‌زید، این نگرش را بر نمی‌تابد و پاسخ دیگری می‌جوید.

اینجاست که روشن می‌شود چرا داکتارو نام رمان خود را کتاب دانیال گذاشته. کتاب دانیال در اصل نام یکی از اسفار کتاب مقدس عبرانی^۱ (عهد عتیق^۱ مسیحی) است (کوگان،

۲۰۰۸، ۷) و این نامگذاری داکتارو تصادفی نیست. در واقع، ما در این رمان با یک دانیال نوین مواجهیم که می‌خواهد فلسفه تاریخ انبیا را در پرتو تجربه عصر مدرن بازتفسیر کند. او وارث بینش تاریخی انبیاست و به درستی نام یکی از آنان را دارد، اما در عصری زندگی می‌کند که مفاهیم سنتی تاریخ الهی یهود، مثل عهد^۲ و خروج معنا باخته‌اند و وظیفه او این است که در دوران معناباخته پس از جنگ جهانی دوم، خوانشی نوین از فلسفه پیامبران عرضه کند.

۳-۴- دیزنی‌لند^۳: آنتی‌تز^۴ کتاب مقدس عبرانی

برای اینکه ببینیم دانیال قرن بیستم چطور بینش تاریخی انبیا را برای جهان امروز بازخوانی می‌کند، لازم است بخش پایانی کتاب *دانیال* را بررسی کنیم. در این بخش، دانیال به دیزنی‌لند می‌رود تا با سلیگ میندیش^۵، مردی که پدر و مادرش را لو داده، ملاقات کند. جست‌وجوی دانیال برای کشف صحت و سقم اتهام والدینش در اینجا به نقطه اوج خود می‌رسد، زیرا او انتظار دارد میندیش در دیزنی‌لند لب به سخن بگشاید و رازهایش را فاش کند. اما جالب اینجاست که دیزنی‌لند، چنان که دانیال به خوبی می‌داند، مصداق جهل تاریخی و درست نقطه مقابل تاریخ‌آگاهی است، زیرا تقلیدی تاریخ‌زدایی شده از عناصر ادبی و تاریخی فرهنگ غرب را بدون هیچ گونه پیوستگی و ارتباطی عرضه می‌کند و همه چیز در آن مصنوعی و دروغین است (پارکس، ۱۹۹۱، ۴۹-۵۰). در آغاز این قسمت که «دیزنی‌لند در کریسمس» نام دارد، داکتارو از زبان دانیال تحلیل جامعه‌شناختی نسبتاً مفصلی از دیزنی‌لند ارائه می‌کند که به

13. Old Testament
14. covenant
15. Disneyland
16. antithesis
17. Selig Mindish
18. climax

مقاله‌ای آکادمیک می‌ماند. این شبه‌مقاله اهمیت فراوانی در درک ما از فلسفه تاریخ دانیال دارد، زیرا برخی از انگاره‌های بنیادینش در آن بیان می‌شود:

این روند شدید تقلیل‌گری را در مورد سرشت واقعیت تاریخی نیز می‌بینیم. حال و هوای زندگی در آمریکای قرن نوزدهم با تجارت برده‌اش در رودخانه میسیسیپی، در یک قایق‌رانی پنج یا ده دقیقه‌ای در قایق بخاری با ساختمانی مشابه الگوی تاریخی‌اش و درون رودخانه‌ای در ابعاد کوچک، فشرده می‌شود. مارک تواین، نویسنده زندگی در میسیسیپی، که واسطه میان ما و این تجربه تاریخی واقعی است، اکنون چیزی نیست جز نام قایق. دزدی دریایی در آب‌های آزاد، صد و پنجاه سال آزار پیاپی کاوش‌های بازرگانی و تجارت اروپایی، همگی تبدیل به شهر فرهنگ متحرکی می‌شوند از صحنه‌ها و موقعیت‌های فیلم‌های دزدان دریایی که هالیوود در دهه سی و چهل ساخته است (داکتارو، ۱۹۷۱، ۲۷۱).

گذشته از این، مناظر و موقعیت‌هایی از ادوار گوناگون تاریخی، از قلعه‌های قرون وسطایی و قایق‌های بخار گرفته تا آلیس در سرزمین عجایب و سفینه‌های فضایی، به شکلی تاریخ‌زدایی شده و عاری از هرگونه تاریخ‌آگاهی در کنار هم قرار گرفته‌اند و بیننده را به فراموشی تاریخی تشویق می‌کنند. از این رو، دیزنی‌لند، از یک لحاظ، آنتی‌تز کتاب مقدس عبرانی و درست مقابل سنت نبوی بنی‌اسرائیل قرار می‌گیرد، زیرا شالوده جهان‌بینی انبیا و انقلاب فکری که پدید آوردند، چنان که بیشتر ذکر شد، بر اساس درکی خطی از تاریخ و حضور مداوم مشیت یهوه در آن بود؛ کتاب مقدس نیز دائماً بنی‌اسرائیل را به آگاهی تاریخی فرامی‌خواند و فراموش کردن وقایع کلیدی تاریخ قوم، مثل خروج از مصر، را از بزرگ‌ترین آفت‌ها می‌داند. برای نمونه، درباره آیین‌های مربوط به عید فصح در سفر خروج می‌خوانیم:

آن روز از برای شما یادبود باشد و آن را عید بگیرید، همچون عیدی از برای یهوه، در نسل‌های خود آن را عید بگیرید، این حکم ابدی است [...] عید فطیر را بر پا دارید، چه در آن روز بود که سپاهیان‌تان را از سرزمین مصر برون آوردم. این روز را در نسل‌های خود بر پا دارید، این حکم ابدی است [...] این ترتیب را به منزله حکم بهر خود و پسرانت تا ابد به جای آورید. چون به زمینی درآمدید که یهوه، آنچنان که گفته است، بر شما خواهد داد، این آیین را به جای آورید. و چون پسرانتان از شما پرسند: «این آیین بهر شما به

چه معنی است؟» ایشان را بگویید: «این قربانی ذبح کردن فصیح از برای یهوه است که چون مصر را فروگرفت، از آن سوی خانه‌های اسرائیلیان در مصر گذر کرد و خانه‌های ما را مصون داشت» (عهد عتیق، ۱۳۹۳: ۳۲۸-۳۲۹).

چنان که آشکار است، دیزنی‌لند دقیقاً قطب مخالف این تاریخ‌آگاهی سنت نبوی است. اما چرا جست‌وجوی دانیال برای کشف حقیقت تاریخی اعدام پدر و مادرش درست در دیزنی‌لند، که تهی از تاریخ و بلکه مبلغ فراموشی تاریخی است، به نقطه اوج خود می‌رسد؟ به نظر ما، فلسفه تاریخ دانیال را درست باید در همین رویارویی سنت نبوی و دیزنی‌لند جست. به زبان منطق دیالکتیک^۱، اگر تفکر انبیا تز^۲ و گسستگی تاریخی دیزنی‌لند آنتی‌تز باشد، از مواجهه و تلفیق‌شان فلسفه تاریخ دانیال (ستتز^۳) پدید می‌آید.

۴-۴- خوانش نوین از فلسفه تاریخ انبیا در پرتو تجربه دیزنی‌لند

دانیال به دیزنی‌لند می‌آید تا سلیگ میندیش را ببیند و رازی تاریخی را کشف کند، اما نه تنها با جهانی عاری از تاریخ روبرو می‌شود، بلکه درمی‌یابد که میندیش به علت کهولت سن مشاعرش را از دست داده و در خوابی از فراموشی تاریخی فرو رفته است و هیچ کمکی به کشف حقیقت نمی‌تواند بکند. اما با اینکه دانیال با زبانی گزنده، بی‌هویتی و بی‌تاریخی دیزنی‌لند را به باد انتقاد می‌گیرد و ملاقاتش با میندیش نیز حاصلی ندارد، همین بازدید از دیزنی‌لند است که چشم او را به خوانش جدیدی از فلسفه تاریخ انبیا باز می‌کند. دانیال در دنیای معنابخش پس از جنگ جهانی دوم می‌زید و نه تفسیر الهی تاریخ را برمی‌تابد و نه الگوهای تاریخی دوری و تکرارشونده را؛ و در عین حال، نمی‌تواند از جست‌وجوی معنا برای تاریخ صرف‌نظر کند. دیزنی‌لند راه‌هایی از این مخمسه را به او نشان می‌دهد.

19. dialectical logic

20. thesis

21. synthesis

اگر به شیوه روایت کتاب *دانیال* که بنا به ادعای داستان، نوشته خود دانیال است، نظر بیفکنیم، می‌بینیم که او در واقع ناپیوستگی و عدم انسجام دیزنی‌لند را اقتباس کرده و با دمیدن آگاهی تاریخی در آن، به روایتی دست یافته که با گفتمان رایج تاریخی تفاوت‌های جدی دارد، اما هم در دام بی‌معنایی توالی رویدادهای ناقصی نمی‌افتد و هم از الگوهای تکرارشونده تاریخی اجتناب می‌کند. شیوه روایت کتاب *دانیال* در واقع تقلیدی از دیزنی‌لند است، اما دیزنی‌لندی که به جای فراموشی تاریخی، مشحون از گذشته‌آگاهی شده و سنت تاریخ‌محور نبوی در آن تزریق شده است. این چنین است که دانیال بالاخره با الهام از دیزنی‌لند که قطب مخالف تفکر انبیاست، به خوانش نوینی از میراث فکری آنها و کتاب *مقدس عبرانی* دست می‌یابد که برای عصر سکولار و تقدس‌زدایی شده او مناسب است. در این شیوه روایت، گفتمان تاریخی به چالش کشیده می‌شود و متنی عرضه می‌شود که به معنای واقعی آتش شله‌قلمکار و به اصطلاح پسامدرن، پاستیش^۱ است.

تنها به ارائه یک نمونه از روایت پاستیش‌گونه کتاب *دانیال* بسنده می‌کنیم. در اوایل فصل دوم، دانیال خاطرات روزهایی را نقل می‌کند که افسران اف‌بی‌آی برای بازجویی به خانه‌شان می‌آمدند. در این بخش، از چشمان دانیال خردسال وقایع را می‌خوانیم و روایت داستان اول‌شخص است. اما درست در میان این بازگویی خاطرات کودکی، بدون هیچ مقدمه‌ای، یک بند درباره شیوه شناسایی و مجازات مسیحیان در ژاپن قرن شانزدهم رشته رویدادها را می‌گسلد:

دود دادن. در ژاپن در قرن شانزدهم، برای شناسایی مسیحیان از تمام جمعیت یک روستا می‌خواستند که از روی تصویری از مسیح که بر کاغذ برنج کشیده شده و بر زمین نهاده شده بود، عبور کنند. کسانی را که حاضر نمی‌شدند پا بر صورت مسیح بگذارند، فوراً از صف بیرون می‌بردند و سپس آنها را بالای آتش سولفوری که به آرامی می‌سوخت، به صورت وارونه دار می‌زدند. این یکی از آرام‌ترین و دردناک‌ترین شیوه‌های اعدام در تمدن بشری است: چشمان قربانی خونریزی می‌کند و گوشتش به آرامی دودی می‌شود. خونسش به جوش می‌آید و مغزش در مایع خود

می‌پرد. مرگ ممکن است خیلی دیر و حتی در هفته دوم به سراغ قربانی بیاید، آن هم بدون اینکه او هوشیاری‌اش را از دست دهد (داکتارو، ۱۹۷۱، ۱۱۷-۱۱۸).

پس از این قطع غیرمنتظره روند داستان، دوباره به روایت اول‌شخص خاطرات کودکی دانیال بازمی‌گردیم، اما کافی است کمی پیش رویم تا به شکلی کاملاً ناگهانی، روایت به زاویه دید سوم‌شخص تغییر کند. در ادامه، این جهش از اول‌شخص به سوم‌شخص و برعکس، به طور متناوب تکرار می‌شود. سپس دوباره پس از چند صفحه، سیر داستان متوقف می‌شود تا دو شیوه مجازات دیگر، شلاق زدن و سوزاندن، در ادوار مختلف بررسی شود. پس از این اشارات تاریخی، جستار کوتاهی می‌خوانیم که تحلیلی اجتماعی و جامعه‌شناختی از نظام طبقاتی ارائه می‌دهد.

نمونه‌ای که ذکر شد، مشتی از خروار است و ساختار پاستیش‌وار آن در کل رمان دیده می‌شود. در واقع، این روایت دیزنی‌لندگونه آشکارترین ویژگی رمان کتاب *دانیال* است که توجه هر خواننده‌ای را به خود جلب می‌کند. چنان که اشاره شد، داستان دائماً بین روایت اول‌شخص و سوم‌شخص نوسان می‌کند؛ گاهی در دهه پنجاه سیر می‌کند و گاهی اواخر دهه شصت؛ این روایت‌ها هم ژانر واحدی ندارند و ملغمه‌ای از گونه‌های مختلف ادبی هستند، از خاطره‌نویسی دوران کودکی دانیال گرفته تا هجو هیپی‌ها، نقد حزب چپ قدیم و حتی جستارهایی حاوی تحلیل جامعه‌شناختی. اما باید این نکته مهم را به یاد داشت که به‌رغم ظاهر پسامدرن‌گونه کتاب *دانیال*، این رمان را نمی‌توان نمونه‌ای از ادبیات پسامدرن دانست، زیرا به ورطه نسبی‌گرایی فرو نمی‌افتد و مرکز ثقلش جست‌وجوی معنا در پس رویدادهای تاریخی است. پاستیش در اینجا برای هدفی کاملاً متفاوت به کار گرفته شده: دانیال، به عنوان دانیالی نوین که وارث فلسفه تاریخ دانیال نبی است، جهان‌بینی تاریخ‌محور پیامبران بنی‌اسرائیل را در جهانی تقدس‌زدایی‌شده بازخوانی می‌کند و با تزریق آگاهی تاریخی در روایت دیزنی‌لندگونه پاستیش، به گفتمان تاریخی دست می‌یابد که با ناپیوستگی خود و ادغام ژانرها، هم از جبر نگرش دوری الگوهای تاریخی می‌گریزد و هم در دام بی‌معنایی تاریخ خطی خالی از مشیت الهی رها می‌شود و گفتمانی را عرضه می‌کند که، با تکیه به سنت انبیا، به جست‌وجوی متعهدانه معنا در تاریخ وفادار می‌ماند و در عین حال، مناسب شرایط عصر حاضر است.

۵- نتیجه

دانیال وارث سنت تاریخ‌محور نبوی و پیرو همان جریان است، اما این سنت را بازخوانی می‌کند تا با مناسبات عصر جدید هماهنگ شود. همانطور که انبیا جهان‌بینی تاریخ‌ستیز و دوره‌ای تکرار نمونه‌های ازلی را رد کردند و تاریخ خطی ناقصی نیز جایی در اندیشه‌شان نداشت، دانیال هم الگوهای چرخه‌ای تاریخ را نمی‌پذیرد و در عین حال، از توالی پوچ وقایع تاریخ ناقصی بیزار است. تا اینجا تفاوتی میان دانیال و انبیا نیست. اما راه حلی که این دو ارائه می‌کنند کاملاً متفاوت است. انبیا تاریخ را صحنه ظهور اراده الهی می‌دانستند و به این ترتیب، به آن معنا می‌بخشیدند؛ ولی این راه حل برای دانیال که در عصر تردیدها می‌زید، رضایت‌بخش نیست؛ بنابراین، او باید کتاب *دانیال* جدیدی بنویسد و خوانش تازه‌ای از کتاب *دانیال* اصلی (یکی از اسفار کتاب مقدس عبرانی) ارائه دهد. این خوانش تازه زمانی میسر می‌شود که او به دیزنی‌لند می‌رود. دانیال می‌بیند که دیزنی‌لند مصداق تاریخ‌گریزی و گسستگی تاریخی، و دقیقاً آنتی‌تز و قطب مخالف کتاب مقدس و تفکر نبوی است. رابطه دیالکتیک میان دیزنی‌لند (به عنوان نماد گسستگی و جهل تاریخی) و سنت نبوی در کتاب مقدس (به عنوان نماد پیوستگی و آگاهی تاریخی) خوانش جدید دانیال را پدید می‌آورد: او آگاهی تاریخی را از سنت نبوی می‌گیرد، و گسستگی را از دیزنی‌لند؛ یا می‌توان گفت در ساختار گسسته دیزنی‌لند، تاریخ‌آگاهی انبیا را می‌دمد و به گفتمان تاریخی جدیدی می‌رسد که بر گسیختگی و ناپیوستگی پاستیش استوار است. کتاب *دانیال* خود، بهترین مصداق این گفتمان است، زیرا در عین تاریخ‌آگاه بودن، دائماً از یکپارچگی روایت سنتی تاریخ اجتناب می‌کند و با تلفیق سبک‌ها و ژانرهای مختلف، به عدم انسجام پاستیش می‌رسد. اما این از نوع پاستیش پسامدرن نیست، زیرا رمان دچار نسبی‌گرایی نمی‌شود و همواره مرکز ثقل مشخصی دارد و آن، جست‌وجوی معنا و برای رویدادهای تاریخ است.

References

- (2014). *Ahd-e Atigh: Jeld-e Avval, Ketabha-ye Shari'at ya Torat*. P. Sayyar (Trans.). Tehran: Hermes.
- Alavi, Farideh & Seyyed Ehsan Hosseini. (1998). "Challenge of the isolationist hero in the face of modern life: Discourse and narrative analysis of Jalal Al-e Ahmed's *The Cursing of the Land* novel and Le Clézio's *The Interrogation*". *Research in Contemporary World Literature*. Vol. 24, no. 2. 523-542.
- Barnett, Michael N. (2016). *The Star and the Stripes: A History of the Foreign Policies of American Jews*. Princeton: Princeton University Press.
- Berlin, Adele & M. Zvi Brettler (1999). *Jewish Study Bible*. New York: Oxford University Press.
- Coogan, Michael (2008). *The Old Testament: A Very Short Introduction*. New York: Oxford University Press.
- Diner, Hasia R. (1999). *Jews in America*. Oxford: Oxford University Press.
- Doctorow, E. L. (1971). *The Book of Daniel*. New York: Random House.
- Eliade, Mircea (2007). *Cheshmandazha-ye Osture*. J. Sattari (Trans.). Tehran: Tous.
- Eliade, Mircea (1959). *Cosmos and History: The Myth of the Eternal Return*. W. R. Trask (Trans.). New York: Harper Torchbooks.
- Eliade, Mircea (2005). *Osture-ye Bazgasht-e Javdane*. B. Sarkarati (Trans.). Tehran: Tahouri.
- Eliade, Mircea (2010). *Resale dar Tarikh-e Adyan*. J. Sattari (Trans.). Tehran: Soroush.
- Eliade, Mircea (2004). *Shamanism*. W. R. Trask (Trans.). Princeton University Press.
- Friedl, Herwig & Dieter Schulz (1988). *E. L. Doctorow: A Democracy of Perception*. Essen: Blaue Eule.
- Friedman, Richard Elliott (1997). *Who Wrote the Bible?* HarperOne.
- Goldenberg, Robert (2007). *The Origins of Judaism: From Canaan to the Rise of Islam*. New York: Cambridge University Press.

Harter, Carol C. & James R. Thompson (1990). *E. L. Doctorow*. Boston: Twayne Publishers.

Parks, John G. (1991). *E. L. Doctorow*. New York: The Continuum Publishing Company.

(a) **Ramin, Zohreh & Seyed Mohammad Marandi (1990). "Doctorow's Ambiguous Approach to the Progressive Era in Ragtime", *Research in Contemporary World Literature*. Vol.16, No 62. 1390. 43-54.**

(b) **Shatzky, Joel & Michael Taub (1997). *Contemporary Jewish-American Novelists: A Bio-Critical Sourcebook*. London: Greenwood Press.**

Siegel, Ben (2000). *Critical Essays on E. L. Doctorow*. New York: G. K. Hall.

Tokarczyk, Michelle M. (2000). *E. L. Doctorow's Skeptical Commitment*. New York: Peter Lang Publishing, Inc.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی